

به نام پروردگار خلیج همیشه فارس ایران

جشنواره خلیج فارس در نگاه ما
جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر
بخش خاطره‌نویسی

چهار نشان جاودان و سرشت‌آفرین برگرفته از خلیج همیشه فارس ایران
در زندگی فردی و دانشگاهی من:

جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر، بوشهرشناسی، خلیج فارس پژوهشی، پایداری گام‌سپاری در آیین اربعین

دکتر جلال‌الدین حسانی

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

مدرس مرکز آموزش علمی کاربردی نیکان فردوس لیان بندر بوشهر

نخست-درآمد

ماندگارترین خاطره من از خلیج همیشه فارس ایران که پاسداشت چهره‌های این پهنه آبی راهبردی را رسالت قلبیم کرده و به یاری پروردگار تا آن گاه که زنده‌ام خود را سپاسمند این جادوی نیلگون الهه دریاها و آسمان‌ها می‌دانم، چهار نشان جاودان و سرشت‌آفرین برگرفته از آن در زندگی‌ام است که در دشوارترین هنگامه‌های فرارو، جهانی از امید را برایم می‌آفرینند. از همین‌رو همواره سپاسمند مهربانی‌های پروردگار خلیج همیشه فارس ایران از جمله از این دیدگاه هستم و به شکرانه این فرهی، با گفتار، نوشتار و احساساتم از آن پاسداری خواهم کرد.

بدین‌سان در این نگاشته، به واگویی و آن‌گاه برآمدگویی این فراگرد زندگی‌ساز می‌پردازم تا در جشنواره "خلیج فارس از نگاه ما" نیز که در پیوند با روز ملی خلیج فارس و از سوی جهاد دانشگاهی واحد استان

بوشهر برگزار می‌شود، توانسته باشم عشق بی‌پایانم را به خلیج همیشه فارس ایران؛ آموزگار بزرگ میهن‌پرستی ایرانی بازتاب دهم.

دو دیگر-واگویی

از زمستان سال ۱۳۹۸ خورشیدی پس از هجده سال تحصیل، پژوهش و تدریس در دانشگاه گیلان، دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای رشت و بندر انزلی، دانشگاه غیرانتفاعی راهبرد شمال و دانشگاه علمی‌کاربردی استان گیلان در سرزمین گیلک‌ها، تالشی‌ها، آماردها، کادوسی‌ها، کاسپی‌ها، تات‌ها و دیگران در آغوش دریای کاسپین و میان جنگل‌های هیرکانی گیلان‌زمین، با بهره‌گیری از تجارب هم‌افزایی با پژوهشکده گیلان‌شناسی دانشگاه گیلان و نیز استادهای همیشگیم در گروه‌های حقوق، جامعه‌شناسی و ایران‌شناسی این دانشگاه، بایستگی پایداری پژوهش‌هایم را در جنوب ایران دریافته و از همین‌رو بر آن شدم تا زندگی دانشگاهیم را هم‌گام با گیلان‌پژوهشی و هموندی در رویدادهای پژوهشی دانشگاه گیلان، در بندر بوشهر پی گیرم.

با توجه به پیشینه تدریس در دانشگاه علمی‌کاربردی واحد استان قم و نیز استان‌های مرکزی، یزد، فارس، تهران، سمنان و آذربایجان غربی و پیشینه پژوهشی اگرچه ناچیز، درخواستم برای تدریس در بندر بوشهر پذیرفته شد و در هنگام سفر به استان آذربایجان شرقی برای داوری یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی در دانشگاه آزاد اسلامی مرکز تسوج در همان زمستان ۱۳۹۸، برای تدریس در یکی از مراکز آموزش علمی‌کاربردی استان بوشهر فراخوانده شدم.

پس از دو نیم سال تدریس در این مرکز، به خاطر نبود رویکردهای پژوهشی شناخته‌شده به همکاری خود با آن پایان‌دادم. اما دوست داشتم همچنان تدریس و پژوهش را در بندر بوشهر ادامه دهم. اندکی پیش از آن در شبکه اجتماعی اینستاگرام با یک وکیل‌بانوی بوشهری آشنا شده بودم که خواهرش را مدرس دوره‌های ادبی جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر معرفی کرد. در حالی که هیچ شناخت و حتی آگاهی از راه‌اندازی جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر نداشتم. هنگامی که از او شماره جهاد دانشگاهی را خواستم، کمکی از وی نیافتم.

اما با یک جستجوی ساده در دنیای مجازی، به شماره تلفن مرکز آموزش علمی‌کاربردی جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر رسیدم. به خاطر اهمیت بوشهرمانی دانشگاهی، نزدیک به ساعت ۲۱ با آن شماره تماس گرفتم. شنونده خود را معاون آموزشی مرکز معرفی و پیشینه‌نامه‌ام را دریافت کرد. فردای آن روز، کارشناس گرامی آن هنگام آموزش مرکز با من تماس گرفت تا پس از واگذاری یک درس دو واحدی، بخشی از تجربه و فراتر از آن عشق تاکنون پنج‌ساله‌ام را در گستره جهاد دانشگاهی و در پیشگاه خلیج همیشه فارس ایران آغاز کنم.

پس از دو نیم سال با حکم رییس آن هنگام مرکز؛ دکتر محسن پرویز- که بسیاری از چهره‌های زندگی دانشگاهی کنونی خود را در بندر بوشهر و امدار مهربانی‌های او هستم- و به دلیل علاقه به پژوهش‌های میان-رشته‌ای، ابلاغ مسئول دفتر کارآفرینی و نوآوری مرکز را دریافت کردم. با برچیدگی یکی از مراکز آموزش علمی کاربردی استان بوشهر در دو نیم سال پستر، رشته حقوق آن مرکز به مرکز آموزش علمی کاربردی جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر داده شد و من نیز از سوی دکتر محسن پرویز، جایگاه مدیریت گروه حقوق مرکز را یافتم.

جایگیری ستاد مرکزی جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر و از آن جمله مرکز آموزش علمی کاربردی این نهاد در پیشگاه خلیج همیشه فارس ایران، افزون بر علوم جنایی و پژوهش‌های دیرین گیلان‌شناسی، شیفتگی به مطالعات خلیج فارس و نیز بوشهرشناسی را برایم به ارمغان آورد. به ویژه این مرکز آموزش شماره یک این نهاد نیز در عمارت گلستان در بافت تاریخی بندر بوشهر جای یافته است و همین واقعیت نیز آمد و رفت‌هایم را به این بافت تاریخی شهری بی‌همتا و آموختن‌های تازه برایم پدیدار ساخت.

در مرکز آموزش علمی کاربردی جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر، کلاس‌هایم به خاطر انبوه دانشجویانم در هم‌سنجی با دیگر رشته‌ها، در بزرگ‌ترین کلاس ستاد مرکزی؛ ساختمان مرکز نوآوری و شتابدهی برگزار می‌شد که پنجره‌های آن روبه دریا گشوده می‌شوند و این فرصت بادآورده، کلاس‌هایم را به رنگ نارنجی غروب خلیج فارس می‌آراست. تا آنجا که در هنگام هم‌رسانی‌های همیشگی غروب دریا و نیز کلاس‌هایم در این هنگام، همکارانم از دیگر شهرهای ایران با دیدن این هم‌رسانی‌ها در شبکه‌های اجتماعی مجازی، همواره زیبایی بی‌مانند این چهره از آورده‌های خلیج فارس را برایم یادآور می‌شدند تا بیش از پیش سپاسمند پروردگارم برای هم‌بودی با خلیج همیشه فارس ایران شوم.

بدین‌سان از همان هنگام، فرصت نگارش مقاله را برای هیچ یک از همایش‌های ملی و بین‌المللی داخل کشور پیرامون خلیج همیشه فارس ایران و انگاره‌های هم‌پیوند آن را همانند فرماندهان بزرگ نظامی ایستاده در برابر یورش به این پاره از قلب‌های ایرانیان از دست ندادم. از همین‌رو پژوهش پیرامون نامدارانی چون امیر دریابان شهید غلامعلی بایندر؛ نخستین رهیافت‌پرداز سرشت ایرانی خلیج همیشه فارس ایران در تاریخ معاصر ایران در شمار گرایش‌های پژوهشیم جای یافت. به ویژه این که در ورودی بندر بوشهر، در میان نشانگان شهدای بندر بوشهر، چهره استوار فرمانده افسانه‌ای و سمنان‌زاد ناوچه قهرمان موشک‌انداز پیکان نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ امیر دریابان شهید محمدابراهیم همتی بازتاب یافته که همواره با احترام نظامی به او به گستره شهر خاطراتم؛ بندر بوشهر، سازمان قلبیم؛ جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر و عشقم بی‌پایانم به خلیج همیشه فارس ایران راه می‌یابم.

افزون بر این سازه‌های سرنوشت‌ساز خلیج همیشه فارس ایران در راه پاسداری از سرشت همواره ایرانی آن همانند جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج فارس، تنگه هرمز، گردشگری خلیج فارس، جنگ‌های

تحمیلی، دلتای اروندرود و نیز انگاره‌های فرهنگی کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج همیشه فارس ایران نیز استوارانه خواه به تنهایی و خواه در چارچوب پژوهش‌های میان-رشته‌ای با علوم جنایی در دستور کارم جای یافت که به یاری پروردگار تا آن گاه که زنده باشم، استوارانه در این راه خواهم کوشید.

با برچیدگی مرکز آموزش علمی کاربردی جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر در چارچوب سیاست‌های آموزشی جهاد دانشگاهی در زمستان ۱۴۰۲، وابستگی به ساحل خلیج فارس از یک سو و سرشت بی‌مانند و آرمانی جهاد دانشگاهی در چهره یک سازمان ناب پژوهشی بی‌همتا در ایران، تنها یک گزینه را فراروی من گذاشت: همکاری پژوهشی و آموزشی با این مجموعه و در چارچوب گستره جهاد دانشگاهی. این همکاری افزون بر جنبه‌های ارزشمندی انقلابی و پژوهشی، فرصتی بسیار بزرگ بود تا دانش بوشهرشناسی و رویکرد خلیج فارس‌پژوهی خود را نیز نیرو بخشم.

برای نمونه، در یک رویداد ایران؛ مرز پرگهر که از سوی سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر برگزار شد، برای بازدید از موزه منطقه‌ای خلیج فارس دانشجویان دانشگاه فرهنگیان را همراهی کردم. این دیدار به آشنایی با رییس موزه انجامید تا پس از آن با هم‌افزایی علمی با او پیرامون تاریخ بوشهر و خلیج فارس، نگارش دو کتاب بوشهرشناسی را با همراهی وی دنبال و چند سخنرانی را در گستره جرم‌شناسی فرهنگی در این موزه برگزار کنم.

سرانجام، ماندگاری در بندر بوشهر و همکاری پژوهشی و قلبی با جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر با توجه به زیست‌بوم فرهنگی بی‌همتای این بندر در جایگاه پایتخت ایستادگی میهنی ایرانیان، مرا شیفته هموندی در آیین گام‌سپاری اربعین کرد.

در شهریورماه ۱۴۰۲ در واپسین روزهای مانده به رهسپاری ایرانیان به این آیین و تنها چهار روز پیش از روز اربعین، گذرنامه زیارتی‌ام را با همراهی یکی از همکاران دانشگاهی که افسر آن هنگام فراجای بوشهر بود دریافت کردم. دقایقی پس از آن برای خدانگهداری با همکارانم در مرکز آموزش علمی کاربردی جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر به آنجا رفته و به ناگاه گذرنامه را به آنها نشان دادم. واکنش احساسی و ماندگار آنها همراه با پیوندهای قلبیم به جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر تا آنجا بود که تصمیم گرفتم به یاری پروردگار خلیج همیشه فارس ایران تا روزی که زنده هستم، هر سال و با پرچم سه‌رنگ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از ستاد مرکزی جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر، رهسپار آیین گام‌سپاری اربعین شوم.

تا هنگام نگارش این نوشتار، افزون بر شهریور ۱۴۰۲ پیش‌گفته، در امردادماه‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ نیز از این سازه از جهاد دانشگاهی و نیز از پیشگاه خلیج همیشه فارس ایران رهسپار آستان حضرت دوست در میان-رودان شده و به یاری پروردگار برای چهارمین هموندی پیاپی خود در آیین گام‌سپاری اربعین در امردادماه ۱۴۰۵ لحظه‌شماری می‌کنم. تا یار که را خواهد و میلش به که باشد..

سه‌دیگر-برآمد

بدین ترتیب شیفتگی به خلیج همیشه فارس ایران، در آغاز نقشی سرنوشت‌ساز را با آشناییم با جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر و نیز دیگر سازمان‌ها، واحدها و مراکز پژوهشی این رویش پژوهشی انقلاب اسلامی در سرتاسر میهن داشت که زندگی دانشگاهی مرا به گونه‌ای فراگیر سویه‌ای تازه بخشید.

افزون بر این پیوند قلبی با جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر و وابستگی سازمانی پژوهشی بدان در پژوهش‌هایم، آورده‌های بوشهرشناختی و خلیج فارس‌شناختی تازه‌ای را برایم به ارمغان آورد. همچنین در پرتو برآیندهای عشق به خلیج همیشه فارس ایران، به یاری پروردگار دو جهان، گام‌سپار همیشگی آیین اربعین نیز با آغاز روند از سازمان قلبی خود؛ جهاد دانشگاهی واحد استان بوشهر شده‌ام تا عشقی همانند و یا فراتر از خلیج همیشه فارس ایران را برای ارباب بی‌کفن پیشکش کنم.

اکنون در آغاز چهل و دومین سال زندگی خود با توجه به این رهاوردهای بسیار ستودنی از خلیج فارس برایم و در چارچوب ویژگی سپاسمندی ایرانی، تصمیم گرفته‌ام ادامه زندگی پژوهشی خود را افزون بر علوم جنایی و ایران‌شناسی از جمله در گستره‌های گیلان‌شناسی و بوشهرشناسی، به پژوهش در پهنه بی‌پایان خلیج فارس بگذارانم.

باشد که از این راه با کوشش در راه پاسداشت هویت ایرانی در خلیج فارس، دین خود را به زنان و مردانی که دست کم در یک سده گذشته، در راه پاسداشت کیان ایرانی این پهنه آبی جان خود را به مام میهن پیشکش کرده‌اند، ادا کرده و در هنگام پایان زندگی خود برای بهره‌گیری از همه فرصت‌های پدیدار در راه عشق‌بازی با خلیج همیشه فارس ایران و از آن جمله رویدادهایی چون جشنواره خلیج فارس از نگاه ما، با وجدانی آسوده به جهان دیگر و به پیشگاه پروردگار خلیج همیشه فارس ایران و نیز نگاهداران جان بر کف این پهنه آبی کارزاردار و سنجه‌ساز میهن‌پرستی و هویت ایرانی در سرتاسر دیرینه درخشان فرهنگی و تمدنی ایران‌زمین بروم.

جانم فدای ایران حسین

جاوید باد خلیج همیشه فارس ایران

هجدهم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ خورشیدی-بندر بوشهر